

نویسنده

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۴۱، شنبه ۱ شهریورماه ۱۳۵۷



خیابان‌ها در اشغال نیروهای نظامی شاه

رژیم شاه فرومی‌ریزد

سفوف دولت آموزگار بروی صحنه آمدن هروسک حیمه شب بازی در بگری جون شریف امامی . از در نقطه نظر متفاوت می‌تواند مورد توجه قرارگیرد . نخست این که بت استبداد در حال لرزیدن و وارستن است و زیر فشار بحران خردکننده و علاج ناپذیری که هر دم برضول و عرص و صف آن امزده می‌شود چاره ای جز عقب نشینی و عدارک و احرا می‌ماند های تازه برای خود می‌بیند . و درتانی این که شاه می‌خواهد بسا کترین فرات و جزئی ترین تغییر بی ماهه ترین نایش به صورت های حیاتی تحول و درگونی های بنیادین گزیند و ارجامعه را می‌لرزاند پاسخ دهد . اما این خیمه شب بازی با همه بود بگری و زیرکی حساب شده ای که در آن به کار برده ، سرانجام نانشانه است و بی دور نما . این که چرا شاه به اصطلاح از میان بهمصران جرحی را انتخساب کرده و شهوره شناخته شده و بی اعتباری جون رئیس مجلس سالی مرایش خود را به کارگرفته است ، همه در لامل زیرکی نانشانه او را برردارد . او سیره ای را انتخاب کرده که داغ نوکری آریا مهربر جنبش نقش بسته . به این ترتیب وانمود می‌کند آنچه را که مردم از او می‌گردد ، عقب نشینی های را که جنبش سراسری و رو به اعتلای انقلابی خلق به او تحمیل می‌کند ، به میل خود میدهد و در واقع این نوعی اکرام شاهانه است . از طرفی شاه و رژیم بهمارش چنان منزوی و یوک و منور شده که ایس وحشت و چود دارد سیردن قدرت به شخصیتی که کترین و جاهت ملی و حیثیت و اعتبارش در داشته باشد . به این ترتیب درسلک چاکرنا درگاه و بندگان بی اراده و غرور دربار قرارنگردد - مومنت سلطنت او را به خور جدی در معرض تهدید قرار دهد . ازاین دو مورد که بگذریم اصولا شاه نه می‌تواند اعتقادی به تحول داشته باشد و نه می‌خواهد به پیشباز چنین فکاری برود . چنین است که بردن آموزگار و آوردن سرف امامی یک جور تغییر بدون تغییر ، تحول بی تحول و به عبارت دیگر دورخیز کردن به قصد نیریدن است .

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکی خود مبارزه کنید!

- زحمتکشان حق دارند مطبوعاتی را که مایلند به دست آورند ، مطبوعات و نشریات سند بگای و کارگری راهش کنند ، به تبلیغات سند بگای بپردازند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان آموزش سند بگای مورد پسند خود را کسب نمایند .
- زحمتکشان حق دارند به سازمان سند بگای مراجعه نمایند اگر کلاه سائیل مربوط به دفاع از منابع و حقوق فردی و اجتماعی خود از آن کلاه بگردند .
- بیکاری جزئی یا کامل یک زحمتکش به هیچ وجه نمی‌تواند مانع برخورداری وی از تمام حقوق سند بگای گردد .
- این حقوق که در هر کشور و دموکراتیک کلاً ابتدایی به حساب می‌آید ، در ایران تحت رژیم سفوراستدادی محمد رضا شاه تا مابال کارمندان دولت حق تشکیل سند بگای دارند ، اساسنامه سند بگای به تصویب وزارت کار و سواواک برسد ، رهبران سند بگای طرف سواواک منصوب می‌شوند ، تضاهرات مسالت آموز زحمتکشان و انتصابات آن هابه خون کشیده می‌شود ، زحمتکشان فقط مطبوعاتی را که سازمان سازمان امنیت گذشته و از شاه مدد سراسی می‌کند می‌توانند به دست آورند و آموزش سند بگای تنها تا حدی که وزارت کار در چارچوب تبلیغ همکاری طبقاتی و فریب کارگران لازم می‌داند انجام می‌گردد . از رژیمی که شیوه های فاشیستی را به کار می‌برد جز این هم نمی‌توان انتظار داشت .

اینک برای ۲۰ سال در اسجون سند بگای محبوس سال ۱۹۰۱ سند بگای تحت عنوان " اعلامیه جهانی حقوق سند بگای " تصویب و انتشار داده است تا در سراسر جهان برای مبارزه وحدت عمل و همبستگی سند بگای به شاه پایه مورد استفاده قرارگیرد و به تقویت سازمان سند بگای همه کشورها باری رساند .
در مقدمه سند گفته می‌شود با آن که در مرصه بین المللی اصول آزادی های سند بگای که باید در همه کشورها رعایت کرد ، در پیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود ، به ویژه طینریم آن که مقاله نامه های بین المللی کار ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاله نامه های مربوط به حقوق بشر ، آزادی های و حقوق سند بگای را تأیید می‌کنند ، معذالک حقوق زحمتکشان در حمت و کشا و وزی و حقوق سازمانهای آنها از جانب دولت های مترجیع و کارفرمایان وسیعاً و آشکارا باطل می‌گردد .

بخشی از حقوق سند بگای زحمتکشان را آن چنان که در اعلامیه جهانی حقوق سند بگای آمده است در نظر بگیریم:
- زحمتکشان حق دارند آزادانه بدون کسب اجازه گرد هپا بزند ، درباره کلاه مسائل مورد علاقه خود بحث و اظهار نظر کنند .
- زحمتکشان از آن جمله کارمندان دولت خود دارند سند بگای تشکیل دهند ، به سازمان های سند بگای موجود بپیوندند ، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سند بگای شرکت نمایند .
- اصمای سند بگای آزادانه اساسنامه سند بگای خود را تنظیم می‌کنند و طرز کار و فعالیت های سند بگای را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند .
- اصمای سند بگای خود را در طریق اساسنامه سند بگای ایران خود را انتخاب کنند و به عضویت ارگان های رهبری سند بگای انتخاب شوند .
- زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه فصل سند بگای به ام از انتصاب ، تحريم ، تشکیل گروه انتظامات انتصاب (بیکت) ، اشغال محل کار ، تضاهرات خیابانی و اشکال دیگر مبارزات سند بگای شرکت جویند .
- زحمتکشان حق دارند برای اجزای همبستگی به انتصاب اصمات دیگری که مناسب می‌دانند دست زنند و به این مناصب نباید مورد بازخواست ، اخراج یا تنبیه قرارگردد .

به موجب سندجات اعلامیه جهانی حقوق سند بگای در رژیم دموکراتیک:
- سند بگای ها خود دارند به نمایندگی زحمتکشان ، بر طبق اساسنامه ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده اند ، بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان ، فعالیت نمایند . سند بگای ها شخصیت حقوقی دارند .
- سند بگای ها خود دارند طرز انتخاب رهبران ارگان های اجزای خود را آزادانه تعیین کنند ، اداره امور داخلی خود را سازمان بر سرانه صل خود را تدوین نمایند .
- اداره امروالی سند بگای فقط حق سند بگاست و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آن را ندارند . اموال و دارایی سند بگای را به هیچ عنوان نمی‌توان صادره کرد .
دنباله در صفحه ۲

نخست وزیر جدید که از ۱۰ سال پیش ریاست ستارابه عیده داشته و به عنوان یک عاملان اصلی رژیم استبداد سلطنتی و پایداری نسیم مخوف پلیسی و آتش سپاه و خونینی اختفانی آن عمل کرده است ، تا کبابه یک شبه یک لبرال فرزند ارفاقون اساسی ، یک آزاد بخواه اصلاح طلب و حوسر از آب در آمده است . شکتنا! مگر در این مدت کوتاه چه روی داده که الملیس را به نوبه و مأمور استبداد را به برشته آزادی محدود ساخته است ؟ جز این است که حکومت کندگان در بگارد نرسند به سبای گذشته حکومت کنند و حکومت شوندگان ادامه شیوه های بی حکومت را نمی‌پذیرند ؟ تومان آقا زنده ، کارگران در کارخانه هساو مایران در کویچه و خیابان با شکتی از هم می‌پرند: آها! انقلاب آفتاب شده است ؟

در این فضای که سرشار از انتظار و طش درگونی بیمیاری است و سنگین روی سنگ بند می‌شود ، رژیم و گروه و زندانبان هم تا چارند لیسبای خود را جوین کنند ، اما فقط لیسبایان را . . . ظهور دولت مستحیل شریف امامی در این متن بر نظام اجتماعی بیشتر و بهتر قابل درک است ، بد پیمان اولین سواواکی که مطرح می‌شود اینست :
- اگر تغییر شرایط و ضرورت ها حضرت را یک شبه از او ج نیروی دولت به گنایش به اصطلاح فضای سیاسی و ادانت است ، چه تضمینی وجود دارد که در اولین فرصت مناسب ، قول هاد و باره زنجیر خود را پاره نکنند و چه خان مردم نیتند ، گره هنوز هم به هیچ وجه از جان مردم دست برنداشته اند . این سواواک بوجه و عقلائی را در لاپل و شواهد بی شماری تأیید و تقویت می‌کند : بسخن از آزادی و آزادی سازی بسپاراست ، اما تمامی نهاد های استبداد و ترور و سرکوب چون سند سنگر ریاد ارمانده اند . سواواک همچنان سابه الملیس خود را ، بسا طعم ترین امکانات دولتی و باطنی ترین و بی حساب ترین بودجه و سنا معدود ترین اختیارات ، در سرکوب و آذ مکتبی بر کشور گسترده است ، در ادگاه های نظامی به شاه ابزار در بکافتوری ، سفار از هر سواواک قانون و سواواک ، صل می‌کنند ، درباره شاه مورخه سیاستهای ضد طرز مد خلقی برکزدت مطلقه در می‌جینان با پر جاست . مجلسین کارگزاران بی‌بیتند و قوه قضائیه در جنگ قوه مجریه به نفع شاه شد مایند شده . با این زمینه ها و بنیاد های مینی ، چگونه می‌توان در آزادی سازی زد ؟ چگونه می‌توان این مد ما هارای برمت و باور کرد ؟ مگر نه این که نظام استبدادی اینک شرایط اقتصاد بیوساسبات اجتماعی و چگونگی توازن نیروهای طبقات و قشرهای مختلف است ؟ استبداد ، به بد های انترنالی سیت ، پوسته و سفار نوبی از حکومت طبقات است که در تمامی حواص منقسم به طبقات متضاد ، بر اقلیتی معدود و بدون پایه ملی تکیه دارد . وقتی پایه و شرایط منقسمی استبداد دست خود رده باقی می‌ماند ، بطور می‌توان انتظار داشت که آثار نتایج آن به گور سپرده شود ؟ وقتی طلت با پر جاست ، در ل خوش کردن می‌گردد شدن معلول تنها سابه لوحی کورد کاسیاست .
دنباله در صفحه ۲

پیروزی مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه